



صدا و سیاهی جمهوری اسلامی ایران
معاونت فضای مجازی
اتاق وضعیت

نمایش

واکنش افکار عمومی به "سفر
رئیس جمهور به نیویورک برای شرکت در
مجمع عمومی سازمان ملل"
شماره ۲۷



۲۳ تا ۳ شهریور ۱۴۰۵

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

خلاصه مدیریتی

اعلام سفر دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور به نیویورک برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل و ایراد سخنرانی درباره تحولات اخیر منطقه، به یکی از پرمناقشه‌ترین موضوعات هفته گذشته در فضای رسانه‌ای و مجازی کشور تبدیل شد. وزارت امور خارجه این سفر را فرصتی برای تبیین مواضع ایران در تریبون بین‌المللی و ادامه دیدارها و رایزنی‌های دیپلماتیک عراقچی با هم‌تایان خارجی توصیف کرد و بر دستاوردهایی نظیر توافق بر سر مسیر امن دریایی در تنگه هرمز با عمان تاکید کرد. در همین حال، خبر عدم صدور ویزا برای اعضای تیم رسانه‌ای و روابط عمومی هیئت ایرانی، به سرعت به محور اصلی و مشترک واکنش‌ها در همه بسترها از حامیان تا منتقدان سفر تبدیل شد و به‌عنوان سندی از سیاست خصمانه آمریکا بازتاب یافت. هم‌زمان، بخشی از جریان اصولگرا و برخی کارشناسان، ضرورت و زمان‌بندی این سفر را در شرایط پساجنگ زیر سوال بردند و نگرانی‌های امنیتی و راهبردی مطرح کردند؛ در حالی‌که جریان‌های اپوزیسیون در خارج از کشور نیز از فرصت هم‌زمانی این سفر برای بی‌المللی‌سازی فشار حقوق بشری و فراخوان تجمع اعتراضی مقابل سازمان ملل بهره بردند. جریان‌شناسی محتوا نشان می‌دهد در حالی‌که ای‌تا و بخش عمده تلگرام بر تقویت روایت «خصوصیت آمریکا» متمرکز بودند، ایکس به میدان اصلی رویارویی هم‌زمان سه روایت حمایت دیپلماتیک، نگرانی امنیتی و تمسخر تشریفات تبدیل شد.

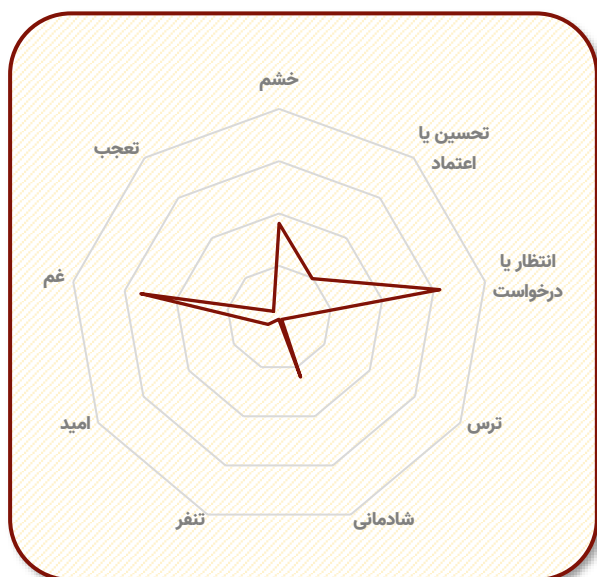
گزاره‌های راهبردی

- ❖ شکاف درون جناحی در میان جریان اصولگرا، یکی از ویژگی‌های برجسته این پرونده بود؛ بخشی از این جریان بر ضرورت استفاده از تریبون سازمان ملل تاکید داشت، در حالی که بخش دیگر (به‌ویژه برخی نمایندگان مجلس و کارشناسان سیاست خارجی) اصل ضرورت سفر در شرایط جنگی را به‌طور جدی زیر سوال بردند.
- ❖ احتمال دیدار با ترامپ که از سوی خود او مطرح شده بود، به یکی از حساس‌ترین نقاط این پرونده تبدیل شد؛ حامیان سفر تاکید داشتند هدف صرفاً سخنرانی و تبیین مواضع است، در حالی که منتقدان نگران تبدیل شدن این احتمال به ابزار فشار روانی یا فرصت‌طلبی تبلیغاتی طرف آمریکایی بودند.
- ❖ بهره‌برداری هم‌زمان جریان‌های اپوزیسیون از این سفر برای بین‌المللی‌سازی فشار حقوق بشری از طریق انتشار گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و فراخوان تجمع مقابل سازمان ملل نشان می‌دهد چنین سفرهایی، مستقل از محتوای دیپلماتیک خود، به‌طور خودکار به فرصتی برای طرح مطالبات موازی از سوی جریان‌های منتقد نظام تبدیل می‌شوند.
- ❖ محدودیت ویزای تیم رسانه‌ای، برخلاف بسیاری از رویدادهای مشابه که واکنش‌ها را دوقطبی می‌کنند، به‌ندرت نقطه اجماعی میان حامیان و منتقدان سفر تبدیل شد؛ هر دو جبهه از این خبر برای تقویت روایت خود بهره بردند، هرچند با نتیجه‌گیری‌های متفاوت (نشانه خصومت آمریکا در برابر نشانه بی‌فایده‌گی سفر).

اهم خطوط پیام القایی و میزان مشارکت جریان‌ات سیاسی در مسائل جریان ساز

مسئله	جریان سیاسی	ریز مسئله	رویکرد	مشارکت
اصل ضرورت و ریسک امنیتی سفر در شرایط جنگی	اصولگرا	تردید در ضرورت سفر در شرایط جنگ و مطالبه سخنانی قاطع و بدون نرمش، همراه با نگرانی از ریسک امنیتی حضور در خاک آمریکا	انتقادی	۴۵٪
	اصلاح طلب	دفاع از سفر به عنوان بهره‌گیری از تریبون قانونی سازمان ملل برای بیان مواضع ایران، مستقل از دیدار با مقامات آمریکایی	حمایتی	۳۵٪
	معاند	توصیف سفر به عنوان تصمیمی اشتباه و پذیرش ضمنی شرایط تحقیرآمیز از سوی حاکمیت	تخریبی	۲۰٪
محدودیت ویزای تیم رسانه‌ای و کارکرد روایی آن	اصولگرا	برجسته‌سازی این محدودیت به عنوان سند خصومت آمریکا و تاییدی بر ضرورت رویکرد بدبینانه و عدم اعتماد به غرب	انتقادی	۴۰٪
	اصلاح طلب	استفاده از این محدودیت برای اثبات سوءنیت طرف آمریکایی، همراه با دفاع از تداوم سفر و تلاش دیپلماتیک با وجود این فشار	حمایتی	۲۵٪
	معاند	استناد به این محدودیت برای اثبات بی‌فایده و تحقیرآمیز بودن سفر و ناکارآمدی دستگاه دیپلماسی کشور	تخریبی	۳۵٪
بین‌المللی‌سازی فشار حقوق بشری هم‌زمان با سفر	اصولگرا	بازنمایی گزارش‌ها و فراخوان‌های تجمع اپوزیسیون به عنوان بخشی از فشار سیاسی و رسانه‌ای هم‌زمان با حضور ایران در سازمان ملل	حمایتی	۳۵٪
	اصلاح طلب	تمرکز بر محتوای دیپلماتیک سفر و کم‌اهمیت جلوه دادن اثرگذاری این کمپین‌ها بر روند مذاکرات و مواضع رسمی	حمایتی	۳۰٪
	معاند	بازتاب گزارش‌های حقوق بشری و فراخوان تجمع اعتراضی مقابل سازمان ملل با هدف پیوند زدن سفر رئیس‌جمهور به موضوعات حقوق بشری	تخریبی	۳۵٪

تحلیل احساسات



- انتظار یا درخواست و غم، دو احساس غالب این بازه هستند. بالا بودن انتظار و درخواست نشان می‌دهد واکنش کاربران صرفاً به اصل سفر محدود نمانده و بخش قابل توجهی از محتوا به مطالبه **درباره نحوه حضور، محتوای سخنرانی، حفظ مواضع و دستاورد سفر احتمالی اختصاص**

داشته است. غم نیز با فضای تنش و نگرانی حاکم بر موضوع سفر به آمریکا و طرح مکرر احتمال تحقیر یا بی نتیجه بودن سفر ارتباط دارد. خشم در رتبه بعدی قرار دارد و با واکنش به رفتار آمریکا، محدودیت ویزای تیم رسانه‌ای و نگرانی از نحوه مواجهه با ترامپ مرتبط است. در سطح میانی، شادمانی و تحسین یا اعتماد قرار دارند؛ این دو احساس عمدتاً در واکنش‌های امیدوارانه به امکان استفاده از تریبون سازمان ملل، بیان مواضع ایران و موفقیت سفر دیده می‌شوند. در مقابل، امید پایین است و نشان می‌دهد حتی محتوای مثبت نیز از خوش بینی پررنگ برخوردار نیست. تعجب، ترس و تنفر نیز سهم محدودی دارند؛ بنابراین برخلاف حجم بحث درباره ریسک امنیتی، ترس به عنوان احساس صریح در داده‌ها برجستگی ندارد.

- ترکیب احساسات نشان می‌دهد مخاطب بیش از آنکه صرفاً موافق یا مخالف سفر باشد، منتظر نتیجه و نحوه مدیریت آن است. بالا بودن انتظار و درخواست در کنار غم و خشم، فضای مطالبه‌گر و حساس ایجاد کرده و فاصله میان این سه احساس با امید پایین، نشان می‌دهد روایت مثبت هنوز نتوانسته اطمینان احساسی قدرتمندی ایجاد کند.

رویکرد انتشار محتوای کاربران

هجومه

۱. توصیف سفر و محدودیت‌های اعمال شده بر تیم رسانه‌ای به عنوان نشانه پذیرش شرایط تحقیرآمیز و شکست دیپلماسی کشور در تعامل با نهادهای بین‌المللی.
۲. بازتاب گسترده گزارش نهادهای حقوق بشری بین‌المللی درباره اغتشاشات در ایران و فراخوان تجمع اعتراضی هم‌زمان با حضور هیئت ایرانی در نیویورک.
۳. توصیف اصل تصمیم به سفر در شرایط جنگی به عنوان تصمیمی غیرعقلانی و پرریسک که منافع ملی را به مخاطره می‌اندازد.

انتقاد

۱. تردید در ضرورت و زمان‌بندی سفر در شرایط پساجنگ و مطالبه ارزیابی دقیق‌تر هزینه و فایده واقعی چنین سفرهایی.
۲. مطالبه سخنانی صریح، قاطع و بدون نرمش، همراه با نگرانی از احتمال تبدیل شدن دیدار احتمالی با مقامات آمریکایی به ابزار فشار روانی یا سوءاستفاده تبلیغاتی.
۳. پرسش از آمادگی کامل برای مدیریت ریسک‌های امنیتی سفر، با استناد به تجربه لغو سفرهای مشابه توسط سایر سران کشورها به دلایل امنیتی.

دفاع و حمایت

۱. دفاع از سفر به عنوان بهره‌گیری از یک حق قانونی و تریبون بین‌المللی برای تبیین مواضع ایران درباره تحولات اخیر منطقه، مستقل از هرگونه دیدار دوجانبه با آمریکا.
۲. برجسته‌سازی محدودیت ویزای تیم رسانه‌ای به عنوان سند رفتار خصمانه و ناقض عرف دیپلماتیک از سوی دولت آمریکا، در راستای تقویت روایت رسمی.
۳. تاکید بر دستاوردهای موازی دیپلماتیک هم‌زمان با سفر (نظیر توافق بر سر مسیر امن تنگه هرمز با عمان) به عنوان نشانه فعالیت موثر دستگاه دیپلماسی کشور.

بسترهای جریان ساز فضای مجازی

ایکس (توییتر)



ایکس بدون رقیب، قطبی‌ترین و از نظر تحلیلی غنی‌ترین بستر در این پرونده بود؛ تنها پلتفرمی که به طور هم‌زمان میزبان چند لایه کاملاً متمایز روایی بود؛ نخست، لایه حامیان که سفر را فرصت دیپلماتیک و نمایش اقتدار در برابر آمریکا می‌دانستند؛ دوم، لایه منتقدان امنیتی که با استناد به نمونه‌هایی نظیر لغو سفر مشابه توسط سران سایر کشورها، اصل تصمیم را به چالش می‌کشیدند؛ و سوم، لایه تمسخر و روایت «تحقیر دیپلماتیک» که با بازنشر گسترده اظهارات مقامات آمریکایی درباره محدودیت‌های اعمالی، سفر را به موضوع طنز و کنایه تبدیل کرد. حضور هم‌زمان فراخوان‌های اپوزیسیون خارج‌نشین برای تجمع مقابل سازمان ملل، لایه چهارمی به این پیچیدگی افزود.

اینستاگرام



اینستاگرام بیشتر محل بازنشر تصویر و ویدیو حضور روسای پیشین جمهور کشور در مجمع عمومی سازمان ملل بود. علاوه بر این در کنار انتشار خبر سفر و محدودیت ویزای رسانه‌ای، محتوای مخالفان خارج‌نشین درباره حقوق بشر و فراخوان تجمع در نیویورک نیز حضور داشته است. بازتاب سریع و بصری خبر محدودیت ویزا با کپشن‌های کوتاه و هشتگ‌محور؛ و حضور نسبتاً پررنگ فراخوان‌های جریان‌های اپوزیسیون خارج‌نشین برای تجمع اعتراضی هم‌زمان با نشست مجمع عمومی نیز در محتوای تولیدی در اینستاگرام قابل مشاهده بود.

تلگرام



تلگرام در میان چهار بستر، گفت‌وگو محورترین و انتقادی‌ترین فضا بوده است. علاوه بر بازنشر اخبار، کاربران درباره اصل سفر، احتمال لغو آن، ریسک امنیتی و احتمال تبدیل شدن سفر به مذاکره موضع‌گیری کرده‌اند. کانال‌ها و گروه‌های همسو با نظام نیز بر ضرورت جلوگیری از «عادی سازی» و استفاده از سفر برای افشای مواضع آمریکا تاکید داشته‌اند. در مقابل، برخی گروه‌ها روایت‌هایی درباره «کمپین مجازی برای لغو سفر» منتشر کرده‌اند.

ایتا



ایتا در این پرونده متمرکزترین و هدفمندترین بستر در میان چهار پلتفرم بررسی شده بود؛ محتوای این بستر تقریباً به طور کامل حول یک محور واحد سازمان‌دهی شده بود؛ تبدیل خبر محدودیت ویزای تیم رسانه‌ای به سند اصلی «تلاش آمریکا برای خاموش کردن صدای ایران». عبارات کلیدی نظیر «ورود از پنجره» برای القای حس عدم استقبال رسمی به طور هماهنگ در برخی کانال‌ها بازنشر شد.